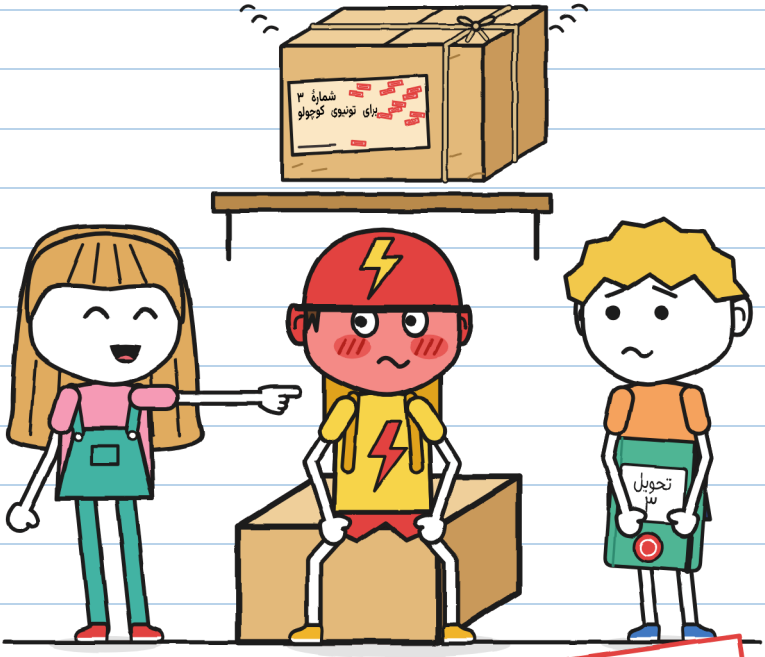
تحویل‌های غیرممکن ۳۰

برگشتی، لطفا

LinguAula



(رفتہ گاس)

اندازه S
سطح مقدماتی ۷۰+

تحویل‌های غیرممکن ۰ 3
برگشتی، لطفا

متن و تصویرها: LinguAula

اندازه S ۰ سطح مقدماتی ۰ ۷+

نسخهٔ فارسی: LinguAula

چاپ اول: 2026

© 2026 LinguAula · info@linguaula.com

فتوکپی آن آزاد است، برای کلاس و برای خانه.

کتاب سوم از این مجموعه. کتاب‌های پیشین: «این بسته گاز می‌گیرد» و «پیش از رعد باز نکنید».



LinguAula

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن

هنگام نوشتن این کتاب هیچ بیکی آسیب ندید. سرخ شدن، جرا. — خ.



و اول من آن را می‌خوانم. — خ.

اگر این را پیدا کردی، برش گردان. لطفا.

فقط در داستان

این مُهر چیزی را نشان می‌دهد که فقط در داستان اتفاق می‌افتد. یک بستهٔ واقعی پرواز نمی‌کند و برنمی‌گردد. با دوچرخهٔ واقعی، صفحهٔ ۷۶ را دنبال کن. — خ.

کی کیست؟



گاس. پیک شنبه‌ها. چیزهایی می‌کشد که کسی از او نخواسته. این دفتر مال اوست.



خولیتا. با رنگ سبز می‌نویسد و با «خ.» امضا می‌کند. همیشه می‌داند چطور کمک کند. مشکل همین است.



تونیو. با دوچرخه برای برق‌آسا پیک است. در ده دقیقه، وگرنه رایگان. تکه‌تکه سرخ می‌شود.



مارا. صاحب «تحویل‌های غیرممکن». کلاه جادوگر سرش می‌گذارد. بیشتر از آنچه می‌گوید می‌داند.



زوئه. از برق‌آسا. از همه تندتر. او لقب‌ها را می‌گذارد.



برونو. از برق‌آسا. یک بار پنچر شد. دو سال پیش.



بستهٔ شمارهٔ ۳. وقتی تکانش بدهند صدا می‌کند. روی برچسبش فقط یک اسم نوشته شده است.

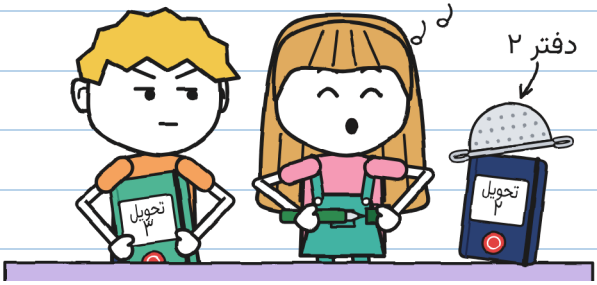


ر. بسته‌هایی را می‌فرستد که هیچ‌کس نمی‌تواند تحویل بدهد. هیچ‌کس اسمش را نمی‌گوید.

دفتر تحویل ۳
مال گاس

محرمانه.

«محرمانه» یعنی: اول من می‌خوانمش. و به هیچ کس نمی‌گویم. — خ.



دفتر ۲ در یک طوفان تمام شد. این یکی سبز است و مُهر مغازه را دارد. قرار بود اول من از آن استفاده کنم. خولیتا استفاده کرد.

اول من استفاده کردم تا کمک کنم. خواهش می‌کنم. — خ.

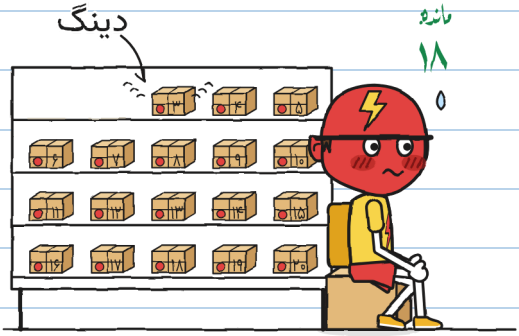
من از او کمک نخواستم. ولی با خولیتا فرقی نمی‌کند.

فصل 1

دینگ

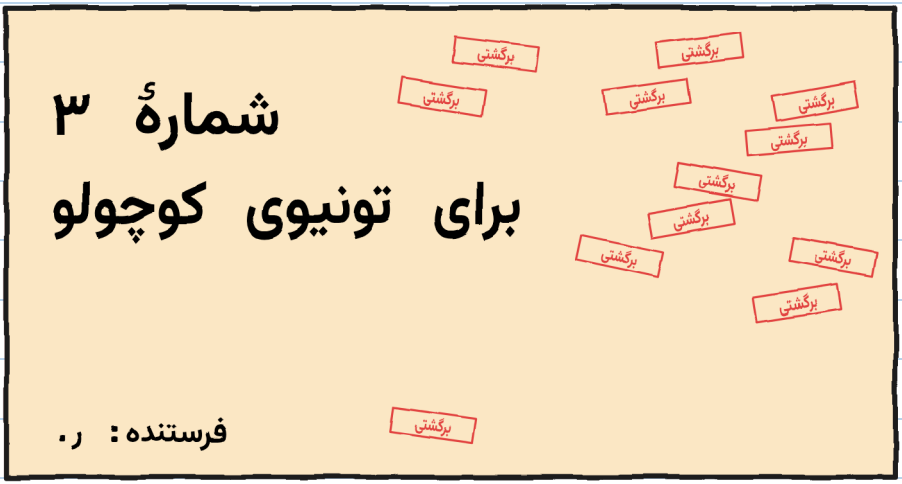
مارا بسته‌هایی را که هیچ‌کس نتوانست تحویل بدهد در مغازه نگه می‌دارد. روی یک قفسه. بیست تا بودند. من و خولیتا دو تا را تحویل دادیم: یک تخم اژدها و چند دانه که می‌دویدند. هجده تا مانده است.

شب طوفان داشتیم به خانه می‌رفتیم. یک بسته
صدا کرد.
دینگ.



شمارهٔ ۳ بود. تونیو برای برق‌آسا در ده دقیقه تحویل می‌دهد، وگرنه رایگان. به رنگ کلاه ایمنی‌اش درآمد.

بدون امضا، برگشتی‌ها سپیده‌دم پرواز می‌کنند و به قفسه‌شان برمی‌گردند. فقط امضای کسی که بسته را می‌گیرد اعتبار دارد. روی برچسب. با جوهری که پاک نمی‌شود. ر. فرستنده است: کسی که آن‌ها را می‌فرستد.



خولیتا شروع کرد به خواندن برچسب:
«برای تون...»
دهانش را بست. هیچ‌وقت وسط یک کلمه ساکت نمی‌شود. به تونیو نگاه کردم. سرخ می‌شد.

نصف کلمه را خواندم. نصف دیگرش را قورت دادم. — خ.

بعضی‌ها ناگهان سرخ می‌شوند. تونیو نه. او تکه‌تکه سرخ می‌شود. یادداشتش کردم.

سرخ‌سنج تونیو



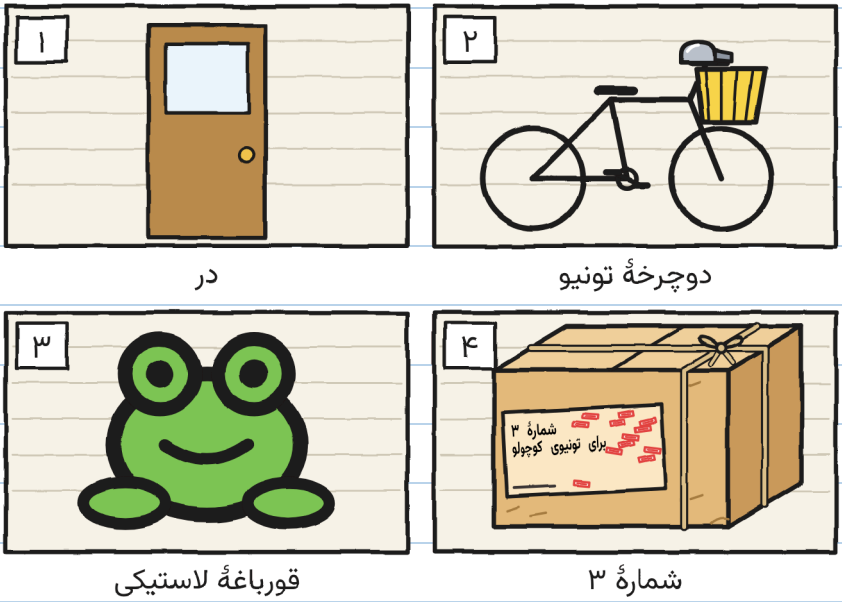
تونیو، تند، گفت: «آن بسته می‌تواند صبر کند.
سال‌هاست منتظر است. یک روز بیشتر. یا ده روز. برق‌آسا عجله ندارد.»
اولین بار بود که کسی از برق‌آسا این را می‌گفت.

آن شب: ۴. می‌خواستم با رنگ قرمز یادداشتش کنم. فقط سبز دارم. — خ.

مارا گفت: «امشب هیچ‌چیز باز نمی‌شود. و به قفسه بدون اجازه دست نمی‌زنیم.»
هیچ‌کس به آن دست نزد. صدای دینگ دوباره آمد.
دینگ.
خولیتا گفت: «از طرف در بود!»

وقتی چیزی را نمی‌فهمم، فهرست می‌نویسم.

مظنون‌های دینگ



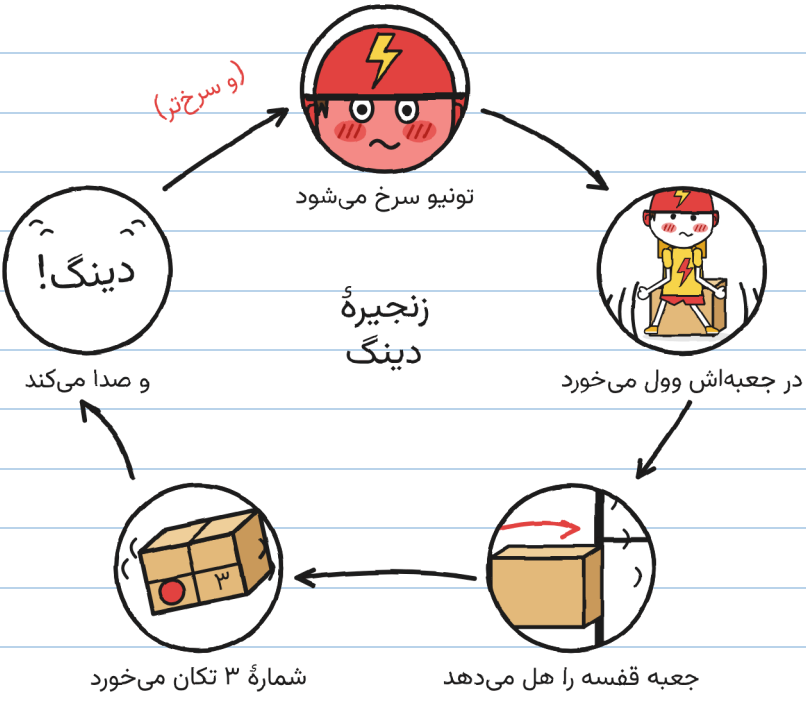
قورباغه بی‌گناه است. من می‌شناسمش. — خ.

رفتم صداها را روی پیاده‌رو امتحان کنم. دیگر باران نمی‌آمد.
در را باز و بسته کردم: جیییغ. زنگ دوچرخه را زدم: ترینگ!
قورباغه را فشار دادم: جیک.



خولیتا با انگشتش می‌گفت نه. هیچ‌کدام این‌طوری صدا نمی‌کرد.
رفتم تو. تونیو روی جعبه‌اش نشسته بود و تکان خورد.
دینگ.

خم شدم. جعبهٔ تونیو به پایهٔ قفسه چسبیده بود.



جادو نبود. تونیو بود.
وقتی بستهٔ شمارهٔ ۳ را تکان می‌دهند، چیزی داخلش صدا می‌کند.

مثل خودم. — خ.

تونیو تصمیم گرفت بی‌حرکت بماند. این‌قدر طول کشید:

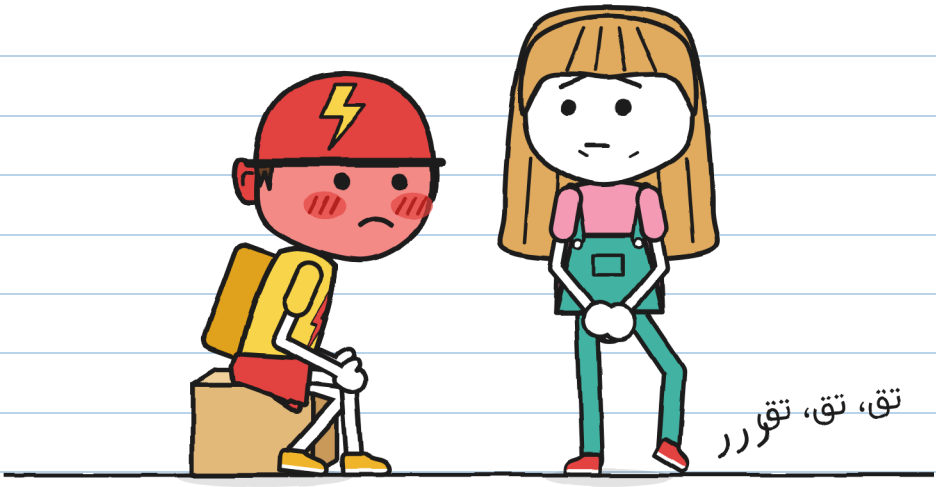


فقط یک سؤال بود. سؤال‌ها قصه را هل نمی‌دهند. — خ.

این یکی، چرا.

تونیو، با نگاه به کفش‌هایش، گفت: «من بودم. وقتی کوچک بودم.»
خیلی آهسته گفت. قورباغه بهتر از من شنید.

خولیتا دهانش را باز کرد. سؤال‌های زیادی داشت. تونیو هنوز به کفش‌هایش نگاه می‌کرد. خولیتا نگاهش کرد و دهانش را بست.



خولیتا گفت: «دیگر نمی‌پرسم.»
برایش سخت بود. پایش تکان می‌خورد.

سؤال‌هایی که نپرسیدم. نه تا. یادداشتشان کرده‌ام. — خ.

از مارا پرسیدم: «چرا هیچ‌وقت آن را به او نرساندید؟»
«دوازده بار بردم. ببینید برچسب: بدون خیابان، بدون شمارهٔ خانه، بدون نام خانوادگی. با همهٔ تونیوهای کوچولویی که پیدا کردم امتحان کردم.»

تونیوهای کوچولوی مارا



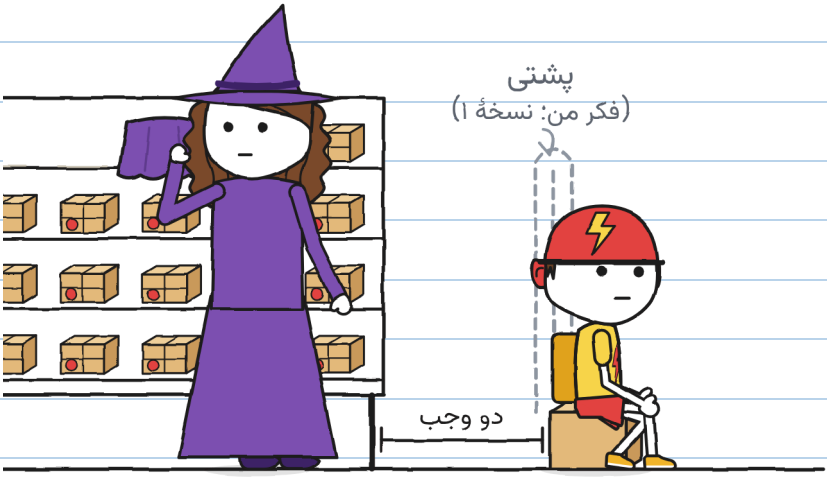
۱. یک قناری.
(روی برچسب پا گذاشت. قبول نیست.)

۲. آقای آنتونیو، ۷۱ ساله.
(«کاش بودم».)

۳. یک قایق کانال.
(دست ندارد.)

خولیتا پرسید: «و تونیو؟»
مارا، با نگاه به او، گفت: «آخرین بار هنوز تونیو را نمی‌شناختم. هیچ‌کس اسم بچگی‌اش را به من نگفت.»

مارا یک پارچهٔ بنفش از زیر پیشخوان درآورد. شمارهٔ ۳ را پوشاند. مثل قفس طوطی وقت خواب. جعبهٔ تونیو را دو وجب از قفسه دور کرد.
«این‌طوری. حالا می‌توانی تکان بخوری.»



تونیو می‌توانست با دوچرخه برود. دوچرخه دم در بود. در ده دقیقه می‌توانست از محله رد شود.
دوباره نشست.
نمی‌دانم چرا. به‌هرحال یادداشتش می‌کنم. جعبه‌اش پشتی ندارد که به آن تکیه کند. برایش یکی کشیدم.

کسی از تو پشتی نخواسته. — خ.

موقع بستن، تونیو آخرین نفر بود. بند کلاه ایمنی‌اش را می‌بست.
«مارا. فردا می‌آیم دربارهٔ بسته حرف بزنم. خصوصی.»
«این دو نفر مال مغازه‌اند.»
تونیو به ما نگاه کرد.
«این دو، باشد. ولی هیچ‌کس از برق‌آسا نه.»



بسته مال تونیو بود. فقط معلوم نبود آن را می‌خواهد یا نه.

من الان می‌دانم چطور لگش کنم. – خ.

این همان چیزی است که نگرانم می‌کند.

یک داستان، شش اندازه

شش اندازه هست، از 3 تا 16 سال، و بیش از 20 زبان. XXS و XS و S و M و L صفحه‌ها و تصویرهای یکسان دارند. XL یک رمان است. فقط طرز تعریف کردن داستان فرق می‌کند.

اندازه XXS · PRE-A1
مارا و تونیو می‌خندند. دوچرخهٔ قرمز را می‌بینی؟

اندازه XS · A1
مارا تقریبا خندید. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه S · A2
مارا صدایی درآورد، تقریبا یک خنده. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه M · B1
مارا صدایی درآورد. شبیه یک خنده بود. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه L · B2
مارا صدایی درآورد که اگر کس دیگری درمی‌آورد، خنده بود. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه XL · B2-C1
رمان مصور ۰ ۱۳+

سطح‌ها طبق چارچوب مرجع مشترک اروپایی تقریبی‌اند.

هر کس در اندازهٔ خودش. همان دینگ. — خ.

برای خانواده‌ها و معلمان

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن